

نمودن جامعه کهنه عملی نموده، موفقی به آفرینش جامعه‌ی نو بشوند و در مبارزه موجود بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری - که هدفش حل مسئله "چه کسی پیروز خواهد شد؟" میباشد - پیروزی تمام و کمال را نصیب سوسیالیسم بنمایند، با بستن نیروی خود را بصورتی متمرکز برای تبدیل شدن به دولتی تحت رهبری حزب، تجدید سازمان نمایند.

دولت ما برای تضمین حق مالکیت جمعی زحمتکشان، با بستن عبارت با اهدا زمانه‌ی منتهک از مردم، ساخته‌ست مردم و در خدمت مردم، و قادر به اجرای انقلابات گانه، ساختن سیستم جدید، اقتصاد جدید، فرهنگ جدید و انسان نوع جدید بوده، نیروی کافی برای دفاع از منافع جمعی و افراد داشته، امنیت سیاسی و نظم اجتماعی را حفظ نموده، فاطمانسسه دفاع از مذهب سوسیالیستی و دستاوردهای انقلاب را بعهده بگیرد.

تثبیت و تکامل دولت بمثابه با لایردن کارآئی دستگاه‌های و سازمان اقتصادی و فرهنگی مدیریت میباشد. از آنجا که فعالیتهای اقتصادی زمینها بر فعالیتهای اجتماعی است و وظیفه دشوار و نسبتاً جدید دولت ما را تشکیل میدهد، با بستن قبل از هر چیز توجه خاصی معطوف به با لایردن کارآئی دولت در سازمان مدیریت اقتصادی گردد.

برجسته‌ترین خصیصه مدیریت اقتصادی در کشور با بستن با توجه با این حقیقت باشد که ما مدیریت نوعی از اقتصاد را بعهده داریم که از تولید کوچک بسوی تولید بزرگ سوسیالیستی در حال پیشروی است. مدیریت اقتصادی با بستن سرعت تکامل یافته، شرایط مناسبی برای توسعه سریع این پروژه بوجود بیاورد و هر چه زودتر بنمایند تولید بزرگ سوسیالیستی در کشور ما را بسازد. برای این منظور، ما با بستن قبل از هر چیز مسائل را - که تابع قوانین رشد میباشد - و ناشی از پروژه حرکت از تولید کوچک بسوی تولید بزرگ اندر این فتنه بطرز صحیحی آنها را حلایی نمائیم و این قوانین را در قالب سیاستها، سازمانها، سیستمها و مقررات مناسبی بریزیم و در عین حال با بستن نهضت انقلابی پر محتوا و مداومی برای پیوند زیم که در برگیرنده نوده‌های وسیعی باشد، هر طبقه سیستم مدیریت مزبور با بستن با زتابی از انقلابات سه گانه و سیستم مالکیت جمعی، یعنی مالکیت سراسر کشور، مالکیت هر شعبه و مالکیت هر سطح بر مبنا ی اهداف و سمت گیری برنا می‌جامد اقتصاد ملی باشد.

ما با بستن تشکلات آنچنان مؤثری بوجود آوریم که قادر به تضمین و تبلیغ بموقع عوامل مثبت و مرفعی بوده، در عین حال عوامل منفی و عقب افتاده را بموقع کشف و طرد نماید، و با این ترتیب وظیفه انتخاب بهترین را در هر پروژه توسعه انجام دهد، تا هر عمل اقتصادی منتهی

به افزایش دائمی با آوری و کیفیت و کارآئی آن بعود.

در حال حاضر ساختمان مداوم و تکامل مدیریت اقتصادی با یتنی متوجه مهمترین مسائل زیر
گردد: تجدید سازمان تولید اجتماعی در مقیاس کشوری، بهبود سیستم برنامه ریزی و تقویت
سنگاه مدیریت اقتصادی.

ما با یتنی اساس کار را بر اصل تمرکز تخصصی و همکاری و مشارکت در تجدید سازمان کلیه
شاخه های تولید - صنعت، کفا و رزی، ارتباطات و حمل و نقل، امور ساختمان - در سراسر کشور بر
طبق موازین تولید بزرگسویالیستی بمنظور زمین بردن هرگونه حالت پسر اکنفدگی
امور و همچنین بقصد آفرینش شاخه های اقتصادی - فنی مقتضی در سراسر مملکت و مناطق اقتصاد
و بنیاد اقتصادی محلی، بگذاریم. مقصود از تجدید سازمان تولید اجتماعی، دادن امکان تجلی
کامل به کلیه امکانات موجود در کار، زمین، دریا، جنگلها، ماشین آلات، تجهیزات،
مواد و تضمین رشد سریع تولید با حداقل هزینه و حصول حداکثر بازدهی میباشد. ما با یتنی
همراه با تجدید سازمان شاخه های تولید، شاخه های گرس و توزیع کالا را نیز برای خدمت هر چه
بهبتر به تولید و زندگی مردم در سراسر کشور، تجدید سازمان بنمائیم.

در سیستم ما کلیه فعالیتهای اقتصادی برنامه ریزی شده است. با این دلیل است که
برنامه ریزی اقتصادی مهم ترین وظیفه مدیریت اقتصادی تلقی میگردد. برنامه دولتی،
ابزار اصلی مدیریت اقتصادی و نیروی محرکه هر قدرتی در دامن زدن به توسعه اقتصادی
میباید. این برنامه خط حزب را در امر توسعه اقتصادی تحقق می بخشد و عبارتست از بکار
بستن آگاهانه قوانین عینی اقتصاد، علوم و فنون در جهت توسعه اقتصاد، فرهنگ، ساختار
سویالیسم، برآوردن حواج مادی و فرهنگی مردم، ساختمان و توسعه بدون وقفه پایه های
مادی و فنی و تضمین حداکثر تجدید تولید وسیع.

کار برنامه ریزی با یتنی در مسیر تحول با بد؛ بهبود برنامه ریزی جامع دولتی بر
مبنای افزایش و ارتقای خلاقیت عمیبهها، محلهها و ردههای توده ای مختلف. برنامه مشترک
دولت ترکیبی است از برنامه های عمیبهها، محلهها و ردههای توده ای مختلف.

عمیبهها، محلهها و ردههای توده ای در توده بین برنامه های خودیای یتنی و بلا یف مشترک
را با توجه به شرایط و قابلیتها ی ویژه خودیای یکدیگر عمیقاً تلفیق نمایند؛ به با آوری کاره
کیفیت و کارآئی اقتصادی اهمیت بدهند؛ توجه لازم به تولید و گرس و توزیع [کالا]

بنما یند ، برارزش مصرفی تا کبد نموده ، مبنای اصلی برنامهریزی خود را در ساختن با بهای مادی و فنی سوسپالیم بر ظرفیت تولید و مقتضیات زندگی مردم قرار دهند ، در عین حال که اهمیت لازم را برای قانون ارزش و سیستم حسابداری صنعتی قابل عده ما بن سیستم را حقیقتاً تبدیل به هزینه موثری در اجرای امر مدیریت بنما یند ، برای تکمیل برنامه ها و ضمانت اجرای آنها استفاده کامل از بازار و هر مه های اقتصادی نظیر قیمت ها ، اعتبارات ، دستمزدها و ... بعمل بیآورند و مسئله را بطله بین برنامه ریزی و هدایت اجرای برنامه ها را در سطوح مختلف بطریقی صحیح حل نمایند .

دستگاه مدیریت اقتصادی با بستن مطابق با پروژه تمرکز ، تخصص و همکاری و مشارکت با تولید در جهت عتاب بخشدن به این پروژه ساخته شود . علاوه بر آن ، دستگاه مدیریت اقتصادی با بستن بر اصل تلفیق مدیریت شعبه با مدیریت محل و مدیریت منطقه استوار عده ، انعکاس شعبه های اقتصادی - فنی ، سازمان های اقتصادی اشتراکی ، مناطق اقتصادی و بنیاد اقتصادی محلی را در جهت تسریع پروژه تجدید تولید و ایجاد شرایط مناسب برای راهمائی تولید تضمین نماید . ما با بستن روابط تولیدی و روابط موجود بین تولید و مصرف را در کوتاه ترین مدت به عاقلانه ترین نحوی توسعه بدهیم . متابعت از این اصل که مسائل با بستن در جانی حل و فصل شوند که بهترین راه حلها در آنجا موجود است و اجرای همگون سیستم خود کفایستی در تمام سطوح مدیریت . دستگاه مدیریت کفا و رزی با بستن توسعه همبسته تولید کفا و رزی را همراه با کشت تخصصی و فشرده بر مبنای برنامه ریزی ، منطقه بندی ، و بکار بردن دستاوردهای علوم و فنون کفا و رزی تضمین نماید و با این وسیله آنرا بسوی تولید بزرگ سوسپالیمی سوق دهد .

ما با بستن مبنای کار خود را بر تقویت دستگاه مدیریت ، تشریح بنیان سازمانی ، وظایف و قدرت مشخص هر قسمت و هر فرد در برقراری مناسبات معقول در برون دستگاه و ورزیدگی و مؤثر ساختن هر چه بیعتر آن قرار دهیم . در مورد دستگاه موجود ، به طور کلی با بستن قسمتها و عوامل معقول آنرا حفظ نموده ، آنچه را نامناسب بنظر می رسد یا عیانت تفسیر بدهیم . ما در صورت لزوم ، تعداد دوز ارتخا نه های مسئول شاخه های اقتصادی - فنی را همگام با توسعه تولید و گسترش تخصص اقتصادی افزایش خواهیم داد . ما با بستن مقررات مربوط به سازمان دستگاه دولت و برخی تصمیمات مربوط به طرز کار رهبرای دولت را مو بمرحله اجرا گذارده ، بسر ای انجام ترمیمات و تعدیلات لازم ، طرز اجرای آنها را زیر نظر بگیریم .

قبل از هر چه به با توجه به بالا بردن کارائی دستگاه دولت در مدیریت اقتصادی ، با بستن در جستجوی راه حل مسائل زیر یک لحظه غفلت نورزیم :

اول با طریق وضع مقررات منحصه و سعی در روشن کردن هر چه بیشتر تکالیف و وظایف وزارتخانه‌های بنیادین که تصدی شاخه‌های اقتصادی - فنی را بعهده دارند، ایضاً مشغول است. لیتها و اختیارات وزارتی که در مقام ریاست تمام شاخه‌ها بر سر اصلک و بر مقام بل مجلس ملی و شورای دولت و تمام مردم و حزب از هر جهت مسئول شاخه‌های تابع خود میباشند. سعی در روشن کردن هر چه بیشتر مناسبات بین وزارتخانه متصدی يك شاخه و شورای دولت و کمیسیون برنا مهربزی و وزارتخانه‌های عمومی.

دوم، ما با یستی برای ترك عمیق ترویج بردن بهتر اصل تلفیقی مدیریتها به مدیرت محل و منطقه و مسئله ایجاد شاخه‌های اقتصادی - فنی را بطرز جدی مورد مطالعه قرار بدهیم. با شما مت است به سازماندهی آن شاخه‌های تخصصی بزنبم که سطح تمرکز تولید و تخصص و مشارکت در آنها قوام کامل یافته است. ما با یستی فوراً ترجه بندی اقتصادی بین مرکز و محله‌ها را به مرحله اجرا بگذاریم. ما با یستی حدود و ثغور مسئولیتها ی مشترك بین وزارتخانه‌ها و ادارات عمومی و مقامات محلی و بخش‌ها را بروشنی تعیین نمائیم.

سوم، ما با یستی قویاً سطح بعضی را تکامل بخشیده، مسئولیتها ی بعضی شهرستان و شهر را تعیین نمائیم. مسئولین اداری شهرستان و شهر عیار تفداز رده اداری محلی کسبه در مقابل مردم شهرستان و شهر مسئول میباشند. علاوه بر آن رده‌های از سطح مرکزی تفکلات اداری دولتی است که در مقابل مقامات مرکزی مسئول است. شهرستانها و شهرها مسئولیت تأمین خواسته‌های مادی و زندگی فرهنگی سکنه محلی و منجمله کارگران و کارکنان کارخانه‌ها و دفاتر در تصدی مرکز و واقع در محل را دارا میباشند. با اینحال این مسئولیت بدلیل مسئول بودن سطح مرکزی در قبال زندگی مردم بر سر اسر کشور - یعنی تمام محله‌ها نیز بدو سطح مرکزی میباشند.

بنا بر این وقتی مسئولیت مراقبت از زندگی سکنه محلی به شهرستان یا شهر محول می - نموده مقامات مرکزی با یستی برنا معای برای بکار انداختن نیرو و وسایل لازم برای انجام این وظایف داشته باشند در همین حال اداره کنندگان شهرستان یا شهر، بعنوان نمایندگان ساکنین آن شهر یا شهرستان، با یستی کلیه امکانات خود را - در زمینه نیروی انسانی، زمین و جنگل و دریا و ... - در خدمت سازماندهی تولید و گردش و توزیع کالاها همراه با سطح بخش بمنصه ظهور برسانند تا بتوانند به انجام مسئولیتها ی نامبرده در فوق در قبال ساکنین شهرستان یا شهر توفیق یابند.

سطح بخش نقش مهمی در حرکت کفا ورزی بسوی تولید بزرگ سوسیالیستی بعهده دارد. سطح بخش مسئول تجدید بنا زمان تولید، تجدید بنا زمان و تجدید توزیع نیروی کار، ترکیب صنعت بنا کفا ورزی، تولید با گردش [کالا]، اقتصاد تمام خلقی با اقتصاد کولکتیو، کارگران با دهقانان و دولت با مردم میباید. سطح بخش ستاد اجرایی انقلابات سه گانه، ساختمان هیئت جدید اقتصاد نو، فرهنگ نوین و انسان نوع جدید در روستاها میباید.

سطح بخش سطحی است که حق مالکیت جمعی را کتین سطحی در آن سطح اعمال میشود، سطحی که احتیاجات مادی و فرهنگی مردم را تأمین میباید. کلیه مراودات رایج بین دولت و دهقانان بر زمین تولید گردش و توزیع کالا از طریق سطح بخش صورت میگیرد. بنا بر این در حال حاضر ساختن سطح بخش به مرحله سطحی که در آن برنامه ریزی کفا ورزی، صنایع دستی و صنایع کوچک و سطحی از مدیریت تولید و گردش کالا ضرورت مبرمی پیدا میکند.

چهارم، سازمان و مدیریت مناسب واحدهای ردههای توده‌ای بطور کلی عامل تعیین کننده افزایش کارآئی مدیریت اقتصاد محسوب میشود. ماطی سالهای گذشته در بساب سازمان و مدیریت واحدهای رده‌های توده‌ای به تحمیل تجارب و دستاوردهای بسیاری نایل آمده‌ایم. ما با داشتن برنامه بعنوان ابزار اصلی، به قدرت رده‌های توده‌ای نزدیک گردیدن ابتکار عمل در تولید و بازرگانی و استفاده کامل از سیستم حسابداری صنعتی، و تلفیق تجربه آموزش سیاسی و ایدئولوژیکی، تشویق مادی، و ارتقای سطح انضباط و حس مسئولیت،

بسیار افزوده‌ایم. ما با بستن این دستاوردها را در کوشش در جهت تسریع سیستماتیک نمودن مدیریت واحدهای رده‌های توده‌ای، اساس کار خود قرار بدهیم تا آنها بتوانند سرعت به بلوغ [تجربیی] خویش نایل آیند. آنچه با بستن انجام خود عبارتست از: تعیین دستور العمل‌های تولید، تکامل دستگاه مدیریت، اجرای مطلوب کار برنامه ریزی فنی، سازمان دادن معقول نیروی انسانی، رساندن سریع مواد به تولید، تقویت مدیریت نیروی انسانی، مالی و مواد، بکار بردن حسابداری صنعتی، تضمین کیفیت محصولات، بهبود مناسبات فی مابین واحدهای رده‌های توده‌ای با یکدیگر و با سطوح بالاتر، و در صورت لزوم تعدیل و ترمیم سیستمها و مقررات موجود.

انجام اینکار مستلزم کوشش پرتوان و هماهنگ کلیه شاخه‌ها، کلیه سطح‌ها و وجود واحدهای رده‌های توده‌ای میباید. ما در جنوب، در رابطه با واحدهای رده‌های مالکیت دولت و مؤسسات متعلق به دولت و بخش خصوصی بهنگام پیاده نمودن ترتیبات جدید سازمانی

و مدیریت، با بستن عوامل منفی و ارتجایی سازمان تولید و مدیریت سابق را طرد نموده، عوامل مثبت و معقول آنرا حفظ نمائیم. ما با بستن تشریک ماسی در امر تولیدی را شناختن بخشیده همراهی [مناسب] برای تشکیل شرکتها، بندهای تجاری و مجتمعها بوجود میآوردیم و از اشکال مرحله‌ای گروه‌های تولیدی استفاده نمائیم.

در امر کفایت و رزق نیز ما تجارب فراوانی در باب مدیریت کوآپرتیوها اندوختیم. ما با بستن اساس کار خود را برای بهبود هر چه بیشتر مدیریت کوآپرتیوها همراه با تقویت سطح بخش و گسترش آن بصورت واحد اقتصاد کشاورزی - صنعتی یا کفایت و رزق - جنگلیانی - صنعتی مبتنی بر طرحها و برنامه‌های تمام کشور و هر شهرستان، برای این تجارب استوار گردانیم.

پنجم، تقویت سازمان و بهبود گردش و توزیع [کالا] عامل بسیار مهمی را در رابطه صحیح بین صنعت و کشاورزی، بین مصالح دولت و کولکتیو از یک طرف و منافع فردی از طرف دیگر، بین شهر و روستا، و تضمین گردش [کالا] بین روستاها و شهرها، و ما بین نقاط مختلف کشور، تشکیل میدهند. در هر دو دگرگونی و توسعه اقتصادی از تولید کوچک به تولید سوسیالیستی بزرگ، امتزاج عمیق تقویت سازمان با بهبود گردش و توزیع [کالا] در تمام شئون نظیر تجارت، قیمتها، دستمزدها، پول رایج، اعتبار و امور مالی در خدمت هر چه بیشتر به تقسیم کار، توسعه نیروهای مولده، دگرگونی مناسبات تولیدی و زندگی مردم ضروریست.

ما برای بهبود مدیریت اقتصادی با بستن با موفقیت اطلاعات اقتصادی را بخش نموده، در نوشتن گزارشات و دادن آمار، نظم و ترتیب را مراعات کرده، شبکه دقیق رد و بدل نمودن اطلاعات از سطوح پایین تر به بالاتر و بالعکس را بخوبی سازمان داده، اطمینان حاصل نمائیم که مدیران از توسعه تولید و امورات زندگی بموقع اطلاع حاصل مینمایند تا در صورت مقتضی بتوانند بموقع دست به اقدامات صحیح بزنند و فتق آنها بزنند.

در حال حاضر مسئله بسیار مهمی مطرح گردیده است و آن اعمال بی چون و چرای مسئولیت فردیست. ما با بستن احساس مسئولیت را عمیقاً با منافع، انطباق سازمانی را با تعادل افراد شرکت در فعالیتها پیوند بزنیم تا فائز به بوجود آوردن مکانیسم مؤثری بشویم که هر فرد را مقید به انجام تکالیفی نموده، وی را به انجام کار بیشتر و بهتر ترغیب نماید. مسئولین با بستن بروشنی تعریف شوند؛ وقتی انجام تکلیفی یا کاری به کسی واگذار میشود با بستن از قبیل ضوابط و معیارهای مشخصی تعیین شده با عدالت و بداند برای انجام وظیفه خود چه کاری، به چه کیفیت و به چه مقداری بایست انجام دهد. واجد شرایط بودن یک

کارگر منوط به کاری میبود که با پدای انجام گهرده قا بلیت کارگران را با یستی قبل از انتقا-
 بشان به کارسجهد. چنانچه قا بلیت آنان بعد تعاب نمی رسده با یستی برای بهیبود
 قا بلیتشان بآنان یاری رسانده [حفظ] منافع کارگران متضمن با داه و توبیخ است.
 با داه و توبیخ با یستی مناسب و عادلانه باشد.

ما با یستی، همزمان با بهیبود کارآئی دولت در ا زمان نهی و مدیریت اقتصادی،
 کارآئی آنرا در زمینه سازمان و مدیریت فرهنگی برای رفع هرچه بیشتر احتیاجات مردم
 در زمینههای فرهنگی، آموزشی، بهداشت عمومی و غیره بالا ببریم، سعادت جمعی آنانرا
 در زمینه فرهنگی تضمین نموده، انقلابا بدتولوزیکی و فرهنگی سوسیالیستی را به پیش
 ببریم.

دولت ما با یستی همواره برای تثبیت دفاع ملی، اهمیت سیاسی، و نظم اجتماعی
 بعنوان ابزار ساختمان و دفاع از سوسیالیسم، اهمیت فراوان قایل خود، و اطمینان حاصل
 نماید که کشور ما همواره برای نهم شکستن حملات جنگ طلبان و تجا و زکاران و اعمالی
 خصومت آمیز عوامی ضد انقلاب آماده و تواناست.

ما با یستی برای دفاع از آرمان انقلاب سوسیالیستی، حفظ استقلال، حاکمیت،
 تمامیت ارضی، فضای هوایی، آبهای داخلی، مرحدات کشور، جزایر ساحلی، در مرحله
 جدید انقلاب، بهیگیرانده دفاع ملی تمام مردم را بطرزیک خلیل نا پذیر بسا زیم، قدرت دفاع ملی
 ما همانا قدرت خط سیاسی و نظامی حزب ما وکل قدرت رژیم سوسیالیستی میباشد. وظیفه ساختن
 و تثبیت دفاع ملی بردوش تک تک افراد مردم، آحاد ارتش، و دیکتاتور پرولتاریا تحت
 رهبری حزب میباشد.

ما با یستی نیروهای مسلح نوده ای نیرومندی بوجود آوریم متشکل از کادرهای نیرومند
 دائمی و نیروهای عظیم افراد ذخیره و رزیده، همراه با ارتش منظم و مدرن مردم، مجهز به
 خدمات و سلاحهای لازم، علاوه نیروهای قدرتمند سراسری، محلی، چریکی و سپاه دفاع از خود.
 ما دامیکه امپریالیسم به زندگی خود ادامه میدهد، ما با یستی توجه کافی به مدرنیزه
 کردن نیروهای دفاع ملی و تقویت قابلیت های دفاع ملی خود مبذول نداریم. در کشور فقیری
 نظیر کشور ما، نیروهای مسلح علاوه بر وظیفه آمادگی برای دفاع از زمین، با یستی بهیگیرانده
 در گبر ساختمان اقتصادی نیز شده، هم بزائی در ساختمان با به های مادی و فنی سوسیالیسم
 بعهده بگیرند.

تنها بر مبنای تشدید ساختمان اقتصادی و صنعتی کردن سویا لیستی کشور است که ما قادر به توسعه صنایع مربوط به دفاع ملی، بوجود آوردن واقعی نیروهای مسلح منظم و مدرن و سازماندهی دفاع جامع از کشور خود می‌شویم. ما با داشتن یک چنین طرز فکری، با بستن سیستم خدمات نظامی بدست جوانان و بستن وظیفه ساختمان اقتصادی بدست سربازان را به مرحله اجرا می‌گذاریم.

حزب برای عملکرد ارتش در جنگ مقاوم و مستقیم پهرستان بزرگ اخیر، ارزش بسیار زیادی قابل است. حزب از غایتی ارتش در دفاع همیذگی از سرزمین ما نری اطمینان کامل دارد. ارتش ممتازی که در عین حال از کارگران ساختمانی تشکیل میشود و مدرسه بزرگی برای آموزش نسلهای جوان برای تبدیل شدن به انسانهای نوع جدید میباشد.

مادامی دوران اخیر در زمینه امنیت سیاسی و نظم اجتماعی، به دستاوردهای عظیمی در رابطه با مبارزه با نقشه‌های شوم امپریالیستها، در صدر آنها امپریالیستها یا ایالات متحده، و انواع و اقسام خرابکاری‌ها و ضد انقلابیون، نایل آمده‌ایم. نیروهای امنیتی ما، تحت رهبری حزب و پهنی‌بانی توده‌های وسیع، به انجام تکالیفی که حزب و دولت برای تعیین نموده‌اند بطرز در عانی توفیق یافته‌اند. در موقعیت فعلی، هنوز هم حفظ امنیت سیاسی و نظم اجتماعی جزو تکالیف بسیار خطیر دولت محسوب میشود و یکی از کارهای عمده است که در نواحی تازه آزاد شده با بستن اجرا گردد. ما با بستن بر کوب عوامل ضد انقلابی و خنثی نمودن نقشه‌های ارتجاعیون را بر به احیای مجدد خود، ادامه بدیم.

نیروهای امنیتی توده‌ای را با بستن دائماً تقویت کرده، از لحاظ سیاسی تثبیت نموده و قابلیت حرفه‌ای آنها را با لایبرده، با آنها سازمان و دیسیپلینی منجم دارد و دانش علمی و فنی آنها را ارتقا بخشیده، تجهیزات و وسایل شخصی مدرن را اختیارشان گذاشت. ما با بستن نیروهای منظم تخصص دیده را با توده‌های وسیع مخلوط نموده، هوپباری انقلابی توده‌ها را دائماً پرورش داده، سطح آنها را با لایبریم و توده‌ها را طوری بسج نمائیم که در حفظ امنیت سیاسی و نظم اجتماعی فعالانه شرکت نمایند. علاوه بر آن، با بستن به بهیرفت و هماهنگی‌ها بسته فعالیتهای امنیتی عمومی، دفتر کنترل و نظارت، دادگاهها و سایر ارگانهای قضائی که عهده‌دار دفاع از قوانین سویا لیستی، منافع و نظام جامعه جدید و حق مالکیت جمعی مردم میباشدند توجه کافی بعمل آید.

برای ارتقا درجه کارآیی دولت، اقداماتی ضروری در جهت تضمین آنکه دولت مسا همواره دولت مردم بماند، با بستن بعمل آید. برای تحقق این هدف، مقام مجلس

ملی و شوراهای خلق در تمام سطوح با یسنی ارتقا یا بد. مجلس ملی در سیستم قدرتی دولت ما بالاترین مرجع قدرت دولت در سراسر مملکت میباشد و شوراهای خلق مراجع قدرت دولت در هر محل میباشد. مجلس ملی و تحت رهبری حزب در مورد مهم ترین امور دولت و شوراهای مجلس خلق در مورد امور مهم قدرت دولتی در هر محل تصمیم گیری مینماید. انتخاب مراجع اجرایی، شورای دولت در مرکز و کمیته های خلق در سطوح پایینتر جزو وظایف مجلس ملی و شوراهای خلق است. کلیه فعالیتهای دستگاه دولت در تمام سطوح زیر نظرارت مجلس ملی و شوراهای خلق انجام میگردد.

حدود وظایف شورای دولت و کمیته های خلق در تمام سطوح با یسنی در چهارچوب مقررات مشخص تعیین گردند. باید سیستمی ایجاد کرد و شرایطی بوجود آورده شود که طبعی آن نمایندگان مجلس ملی و شوراهای خلق قادر به جمع آوری و گزارش نظرات مردم به مراجع دولتی شده در رسیدگی با این نظرات مراقبت بعمل آورند. با یسنی سیستم تمام منظمی بین انتخاب کنندگان و نمایندگان مجلس ملی و اعضای شوراهای خلق برقرار گردد و حق کنترل و عزل نمایندگان منتخب مردم توسط انتخاب کنندگان محفوظ شود. یکی از وظایف عمده شورای دولت و کمیته های خلق در تمام سطوح عبارت از تصمیم گیری در مورد بحثها و اقداماتی است که در جهت تحقق هر چه بیشتر حقوق مردم در زمینه ها کمیست جمعی در امور مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تضمین اجرا و رعایت این حقوق میباشد. سازماندهی و کنترل دقیق و شدید فعالیتهای مراجع دولتی، اقدامی مهم در افزایش درجه کارآیی دولت بشمار می آید. تشکیلات کنترل کننده مزبور شامل سیستم کنترل خود در درون دستگاه دولت و کنترل توسط حزب و سازمانهای نوپای میگردند. عمل کنترل با یسنی تبدیل به مکانیسم وادار کننده تمام سازمانها و کلیه کارها و تمام اهالی به رعایت قانون اساسی و قوانین و سیستمها و مقررات و انجام مطلوب تمام کارها و تهیه کلیه محصولات منطبق با ضوابط کمی و کیفی مقرر بشود.

مردم از حقوقی که قانون اساسی و قوانین کشور برایشان تضمین نموده است برای مبارزه با خطاها و اشتباهات مدیریت اقتصاد، فرهنگی و حیات روزانه خود استفاده کرده و مراجع دولتی را وادار به تضمین اعمال صحیح و مطلوب حق مالکیت جمعی آنان مینماید. کلیه مراجع دولتی، از دوا بر مرکزی گرفته تا رده های نوپای با یسنی در مقابل مردم مسئول شناخته شوند و سایر ارتباط جمعی با یسنی فعالیتهای خود را در برهه بررسی و مطالعه امور - تاحدی که بازگو کننده نظرات سازنده مردم و انتقاد از مزار پرور و کراسی و

اقتدار طلبی باشد - گسترش دهد.

حق مالکیت جمعی مردم از طریق دولت و تحت رهبری حزب باید بوسیله قانون تضمین گردد. قدرت و محتوای اصلی قوانین سوسیالیستی دقیقاً بر حق مالکیت جمعی مردم خلاصه می‌شود. با رعایت دقیق این قوانین سوسیالیستی، تمام فعالیتها و ادارات دولتی مطابق بق قوانین و مقررات صورت گرفته، حق مالکیت جمعی اهالی عمیقاً رعایت شده و منافعی آنان تضمین می‌گردد.

مجلس ملی همراه با تکمیل قانون اساسی جدید جمهوری سوسیالیستی ویتنام، قوانینی در مورد سازمان شورای دولت، شوراهای کمیته‌ها و خلفی در تمام سطوح تدوین کرده، قوانین و مقررات تازه‌ای در مورد سازمان دولت و فعالیتها و آن وضع خواهد نمود. باید بموقع خود دست بتدوین و صدور قوانین و مقررات هر چه کاملتری بخصوص در زمینه امور اقتصادی بزنیم.

اگر تحقق حق مالکیت جمعی مردم نه تنها به قدرت دولت بلکه به صمیمیت کارها و کارمندان دولت و آمادگی بدون قید و شرط آنان در خدمت کردن به مردم بستگی پیدا میکند. باید صفات ناپسندی از قبیل تکبر، خودسری، فقدان حس مسئولیت و بی‌تفاوتی نسبت به مشکلات و دردهای مردم را عیباً محکوم نمود. ما نباید بگذاریم عده‌ای از کارها و کارمندان بدو هم جمع شده برای خود امتیازات خاصی قائل شوند. از طرف دیگر تحقق حق مالکیت جمعی مردم در گروه‌ها و مسئولین بکراهالی به کار متذکر کولکتیو و جامعه‌های دائمی و طایفان نسبت به دولت و مملکت میباشد.

حقوق و وظایف اهالی باید دقیقاً توسط قوانینی تشریح گردد. اهالی موظف با جرای وظایف خود و اطاعت از قوانین بوده و در مورد آنها هیچکدام زبراجرای امور فوق‌عاده‌ها نمیکنند. باید دست با قدامات اجباری و انتباهی زد. در تحلیل نهایی، کفایت دولت بسنکسی بکارها دارد. با افزایش دامنه فعالیتها و دولت تعداد بسیار زیادی کاربرای هر شاخه و هر سطح مورد احتیاج است. کارهای دولتی با همه‌جیز بمعلومات تکنیکی کافی، مهارت حرفه‌ای‌ها، حیا و ابتکار و قدرت سازماندهی عملی بسیار بوده، علاوه بر این، علاقمند، فداکار، زحمت‌گشته، فوق‌العاده مسئول و منضبط باشند و با نودها بیامیزند. در بک کلام باید کارهای انقلابی با عینده ما موران ادارات دولتی، مسئولیت کارها را می‌مسئولیت متذکر حزب و دولت میباشد.

در شرایط دیکتاتوری پرولتاریا با حزب تمام فعالیتها را با هم راهدا می کند رهبری حزب را من عالی اجرا می کنیم مالکیت جمعی زحمتکشان که خود با به موجودیت و فعالیت دولت سوسیالیستی است، میباید بنا بر این، تحقق رهبری دولت بوسیله حزب شرط اصلی قدرت و کفایت عملی دولت است. از طرف دیگر، حزب بدون دولت نمیتواند مردم و جامعه را در ساختن سوسیالیسم رهبری نماید. برای انجام وظایف سیاسی محوله از طرف حزب و تا همین رهبری حزب بر جامعه دستگاه دولت با یستی بطور مداوم تقویت شده از قدرت و کفایت اداری روزافزونی برخوردار گردد. ارتقا قدرت سازمانی حزب در درجه اول بمعنی ارتقا قدرت آن در اجتماع و تقویت، بکار بردن و تکامل دولت بمنزله مهمترین ابزار سازمانی و عملکرد خطوط و سیاستهای حزبی است. افزونی نقش و بهبود کفایت اداری دولت مهمترین نشانه سطح سازمانی و قدرت حزب است. تعیین خطوط و سیاستها و هدایت فعالیتها ی دولت و حل مسائل مهم سازمانی دستگسله دولت در تمام سطوح از وظایف حزب است. این خطوط و سیاستها بوسیله دولت در تصمیمات و برنامه عملی روزانه تودهها وارد میگردد. برای نظارت فعالیتها ی ادارات دولتی در پیاده کردن خطوط و سیاستهای خود و در رعایت حق مالکیت جمعی مردم، حزب با زمانهای خود و سازمانهای توده ای متکی است.

از طرف دیگر، حزب اختیارات و قوانین دولتی را رعایت کرده به پیشنهادها ی ارگانهای دولتی در مورد رهنمودها و سیاستها ترتیب اثر فوری میدهد. سازمانها و اعضا، خود را بر رعایت اختیارات مراجع دولتی و با اجرای قاطعانه قوانین و تصمیمات و رهنمودها ی آنان همانند انضباطهای حزبی موظف می نمایند.

در حال حاضر حزب باید در امر هدایت دولت، ناروشتیهای موجود در زمینه حدود وظایف دولت و حزب را از زمین ببرد. سازمانهای حزبی در تعدادی از مناطق و واحدهای رده توده ای وظایف مربوط به مراجع دولتی را بعهده گرفته باعث کاهش کارآئی دستگاه دولتی و بروز واقع گاه نقض رهبری حزب شده اند. در عین حال گرایشی که در ادارات دولتی بتخفیف نقش و مسئولیت ارگانهای حزبی وجود داشته و سازمانهای حزب را منحصر ارگانهای تبلیغی و بسیجی و فاقد نقش رهبری تلقی میکند با بد از زمین برود. همینطور با بد از تقسیم مکانیکی وظایف کمیتههای حزبی و اداری که در واقع بمعنای جدائی مرجع رهنمود دهنده و سازمان اجرا کننده رهنمودها میباید، اجتناب ورزید.

رفقا ما انقلاب جشن توده‌هاست، اجرای وظائف حزبی با بد با تحريك انقلابی توأم باشد. طی جنگِ مقاومتِ مبین پرستانهٔ اخیر نهضت‌های مبارزاتی سرشار از شور و حرارت مبارزه با تاج و زر - کاران ایالات متحده بسیج شدند. لیکن در پیرویه ساختمان - سوسیالیسم هنوز نتوانسته‌اند بهم جنبش‌های نیرومندی بوجود آوریم. در طی چندسال گذشته توده‌ها را برای حرکت پی گیر در کار تولید و تلاش روزافزون در ساختمان - سوسیالیسم بسیج کرده‌ایم، اما نهضت‌هایی هم بودند که در آغاز خواهی درخشیدند و برخی دیگر که با وجود کوشش بسیار توده‌ها بجائی نرسیدند، چرا که تشکیلات حزبی فاقد رهبری صحیح بود، و در نتیجه رهنمودها و برنامه‌ها دقیقاً تنظیم نگردیده و فاقد مدداومت لازم بودند. بملایم شرایط مادی لازم کاملاً فراهم نبوده بین تشکیلات حزبی، دولتی و توده‌های هماهنگی وجود نداشت، فعالیت‌های لحظه‌ای بیگانه با جریان تولید و مبارزات توده‌ای حرکت انقلابی ایجاد نمیکنند. برای این منظور با بنی با دانی کافی از فن بسیج نمودن توده‌ها و با طرح رهبری لازم، به شکل توده‌ها و راهنمایی آنها پرداخت. بدین طریق حرکات انقلابی ریشه‌دار و پی گیری بوجود خواهد آمد که میتواند بحرکات زنده و دائمی در سطح توده و اجرای موفقیت آمیز و مطالب روزانه آنان تبدیل گردد. یک جنبش حرکت توده‌ای مستلزم وجود اهداف روشن و مشخص، تلفیق مدیران اقدامات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اداری، ایدئولوژی - یکی و تشکیلاتی و هماهنگی دقیق تشکیلات حزبی، مراجع دولتی، تشکیلات توده‌ای و تشکیلات اقتصادی و اجتماعی است.

در میان توده‌ها همیشه افراد مترقی، متوسط و عقب مانده وجود دارند. هدف کار توده‌ای تعویق و تسهیل پیرفت افراد پیشرو، رساندن سطح آگاهی افراد متوسط به پیشرو و کاهش تعداد افراد عقب مانده میباشد. تنها در جریان حرکات انقلابی خود توده‌هاست که این هدف میتوانند مضمون عملی پیدا کنند. در جریان عمل انقلابی، توده‌ها طرز فکر خود را عوض کرده، مبارزین و آموزگاران خود را پیدا کنند. برای تهیه حرکات انقلابی مهمترین روش، برانگیختن و آموزش توده‌ها در جریان عمل انقلابی روزانه آنان میباشد. تأمین حرکت نیروی کار در مالکیت جمعی عمدتاً بعهده دولت و تشکیلات توده‌هاست.

وظیفه تمام تشکیلات توده‌ای حرکت دادن توده‌ها و تأمین نظارت آنها در مورد دولتی میباشد. بملایم این تشکیلات بمنزله آموزگار - سوسیالیسم بوده، طبقات و اقشار مختلف را به طبقه جدیدی که دارای حق مالکیت جمعی است تبدیل مینمایند.

در انقلاب - سوسیالیستی حزب با بد با هر سال زندگی طبقه کارگر در سرانجام مملکت سپردا زد

بطوریکه این طبقه تکامل کمی و کیفی یافته ها بستگی لازم برای ایفای نقش طبقه پهن آهنگ و رهبری این طبقه در ساختن سوسیالیسم را پیدا کند. قوانین دولتی با بدبختی تکمیل و اجرا شوند که حرکت فعالانه و موثر کارگران در اداره کارخانجات و امورات اقتصادی و اجتماعی را تضمین نماید. اتحادیه کارگران عبارت از يك سازمان بوده ای عظیم طبقه کارگر، يك آموزشگاه کمونیسم، مدیریت امورات اقتصادی و مدیریت امور دولتی برای کارگران میباشد و طبقه اتحادیه کارگران حرکت در امور دولتی، نظارت بر فعالیتهای دولت و اداره کارخانجات میباشد همچنین بوجوب آوردن بیمنی سوسیالیستی در کارگران، ترویج برخورد سوسیالیستی به مسئله کار - انضباط در کار، مهارت، بارآوری فراوان و صداقت - و ایجاد روحیه امیدواری به غلبه بر مشکلات بعهده اتحادیه کارگران میباشد. اتحادیه کارگران باید جنبش سابقه ای در کار تولیدی را که باید مجدداً در ساختمان سوسیالیسم بکار رود سازمان داده و سررهبری این جنبش با مدیر کارخانه همکاری کند. همچنین باید با همکاری مراجع دولتی به مطالعات فرهنگی، تکنیکی و حرفه ای کارگران توجه نموده به تعلیم کادرهای لایق فنی و اداری از بین کارگران بپردازد. اتحادیه مزبور با توجه به منافع حقه کارگران باید فعالانه و همگام با مراجع دولتی به حل مسائل عملی زندگی کارگران، رفاه دسته جمعی آنان، شرایط کار، مطالعه و استراحت... کارگران و کارمندان امور عامه بپردازد. بخصوص باید مسئله حفاظت از کارگران و پهن گیری و معالجه عوارض ناشی از کار توجه مخصوص بشود. در جنوب، اتحادیه کارگران علاوه بر این موظف بتأمین حقوق و منافع کارگران کارخانجات خصوصی و نیمه خصوصی - نیمه دولتی میباشد. اتحادیه کارگران این قبیل کارخانجات را در امور تولید و تجارت بر عايت خط مشی حزب و سیاستها و قوانین دولت هدایت میکنند.

تشکلات اتحادیه ای کارگری با بدکارگران و کارمندان دولت و دستگاههای صنعتی و تجاری دولتی را در خود بپذیرد و بخصوص در جنوب باید توده وسیع کارگران صنعتی را در برگیرد. با افزایش تعداد کارگران و کارمندان، اتحادیه ای کارگری باید با استحکام تشکیلاتی خود افزوده و با شاخه های اقتصادی - تکنیکی و با تولید ارتباط نزدیک برقرار کند. رهبران اتحادیه ای کارگری باید بخطوط سیاستهای حزب آشنا بوده، با اداره امورات اقتصادی وارد باشند. همچنین با کارگران ارتباط نزدیک داشته و در اکثر موارد از جریان تولید جدا نباشند.

طبقه کارگران کشت و ورزی (در شمال کشت و ورزان بطبقه ای از کشت و ورزان کولکتیو تبدیل شده اند) یکی از طبقات اصلی است که همراه با طبقه کارگر در ساختمان سوسیالیسم بمنزله نیروی اصلی بحساب میرود. در شمال، تمرکز کوششها بر آن با بستن متوجه با انجام رساندن انقلابات سه گانه سازماندهی

مجدد کثا ورزی بمنظور تبدیل آن بتولید بزرگ سوسپالیمتی و سآ زندگی مستم نووانسان نو در دهات مهساشد. کوا یرتیموها عبارتنفدا زما زمان های تولیدی و تشکیلات وسیع توده ای کثا ورزان کولکنیو. این تشکیلات نفی عمده ای را در متحد کردن و آموزش کثا ورزان ، تقویت احساس مالکیت جمعی در آنان و بالابردن توانائی آنان بر اعمال این حق ، تبدیل گروه کثا ورزان به طبقاتی از کارگران کثا ورزی کولکنیو بجهت دارند.

تشکیل کوا یرتیوونکا مل آن وظیفه تشکیلات حزبی و مراجع دولتی در تمام سطوح بخصوص در سطح بنی و در سطح محلی میباشد. مجامع کثا ورزان کولکنیو که نما بنده حق مالکیت اشتراکی آنان در تمام سطوح می باعدبا بدستیا ، بموقع و با نقابج رضا بتیخس تشکیل شود. در روستا های جنوب در حال حاضر با بدتوده های کثا ورزان را بحافل کثا ورزی جلب کرده بتعلیم آنان و تقویت حس مبین دوستی و علاقه آنان بسوسپالیم پرداخته ، انگیزه کوشش در احیا و توسعه تولید زیر نظارت دولت ، وساختمان مجدد دهات را در آنها تقویت کرده ، حس همبستگی و کمک متقابل در تولید و معیشت ، مبارزه با بقایای فئودالیم و ریشه کن سازی تمام انواع استثمار و بوری با زی در دهات را در آنان اعتلا بعهده و بدین ترتیب دهات را با سرعت و مداومت بسوی کثا ورزی اشتراکی و تولید بزرگ سوسپالیمتی سوی داده.

تغیر روشنفکران در ساختمان و توسعه اقتصاد ، فرهنگ ، علم و تکنولوژی روز بروز اهمیت بیشتری پیدا میکنند. برای ساختمان سوسپالیم نه تنها اتحاد کارگر- دهقان ، بلکه اتحاد کارگر- دهقان - روشنفکر با بد تقویت شود. اکثریت معننا بهی از روشنفکران منسب طبقائی کارگری و دهقانی داغنه و تحت تاثیر سیستم جدید بزرگ روشنفکران پیوسته اند. کارگران ، دهقانان و روشنفکران سوسپالیمت همگی مدبران جمعی جا مع هستند و در سآ زندگی جا مع جدید با هم پیوند نزدیک دارند.

حزب و دولت با بد بطور جدی دست بکار آموزش تعداد دوسیمی از روشنفکران در تمام زمینه ها ی فعالیت های اجتماعی بشوند. این افراد با بد بر زمین مادی ، مردم و انقلاب سوسپالیم نیستی عمیقاً وفادار بوده از قاطعیت و انرژی زیاد و هجاعت غلبه بر موانع فرهنگی ، علمی و صنعتی برخوردار بوده توانائی این را داغنه باغند که دستاوردهای علم و صنعت جدید را در حل مسائل خاص مملکت بکار ببندند.

تشکیلات حزبی ، مراجع دولتی و سآ زمانهای توده ای با بد در تمام آموزش سیاسی ، مفاغل مناسب ، خراط مادی و معنوی مساعدت موصلاً برای کار و تحقیق روشنفکران منسبای

کوهن را بکار برند تا آنها بتوانند استعدادهاى خود را بى سرعت و بى حواصن در خدمت ساختمان سوسيا-
ليسم بکار کيرند.

همچنين با يدکاههاى علمى و فنى رژيم سابق جنوب را بکار گرفته با آنها کمک کرد که
بى سرعت بروى افکار سوسيا ليست تبديل شوند. روشنفکران بسهم خود با يد بر نقاط ضعف خود از قبيل
ذهنى گرانى، خودخواهى، جدا افتادگى از تودهها و جريان توليد و برداشت ناصحيح از راه بطن بين
افراد و کولکتيو و غيره غلبه نمايند.

جوانان و نوجوانان و کودکان اميدهاى بزرگ انقلاب و پيغام هستند. در طول نيم قرن
گذشته از گروه جوانان انقلابى گرفته تا اتحاديه کارگران جوان هوشى ميم نسل هاى پى در پى
جوانان و پيغام، در جريان نشيب و فرازهاى انقلاب، درد و جزک بزرگ مقام و مت و در انقلاب سوسيا-
ليستى کنونى نيروهاى ضريبى انقلاب را تشکيل داده اند. نسل هاى زيادى از جوانان در کوره
عمل انقلابى آبدیده شده و شکل گرفته اند. اين جوانان مجهز به عقايد انقلابى و دانش عميق
فرهنگى و علمى و تکنىکى بوده هم در ميدان جزک و هم در عرصه توليد با شجاعت و خلاقيت عمل میکنند.
ما بايد سنتهاى پسنديده جوانان را تشويق نموده آنان را بطورى تربيت کنيم که با نسل نوع
جديد سوسيا ليستى تبديل شده و فاداران و مجدانه در ادامه راه انقلاب پرهکوه حزب و ملت
گام برداشته و الوده به روزمندان سوسيا ليسم و کمونيسم در کشور را برينند. پرورش نسل هاى
انقلابى براى آينده امرى بسيار مهم است. (وميت نامه ريش جمهورى هوشى ميم). اين وظيفه
سياسى دراز مدت سراسر حزب و همچنين مسئوليت سنگين و عظيم اتحاديه کارگران جوان هوشى -
ميم ميباشد.

اتحاديه جوانان با ايداز انسجام و استحکام تشکيلاتى برخوردار بوده، از چنان يك -
پارچگى سياسى و ايدئولوژيك و تشکيلاتى اى برخوردار باشد که ما بى استه يك سازمان جوانان
کمونيسم است. سازمانى که براى جوانان آموزشگاه کمونيسم بوده با زوى توانا و نيروى
ذخيره قابل اطمينان حزب باشد. اتحاديه مزبور با بدتعليم و تربيت جوانان را عهده دار شده و
نقى پيغروانه آنان را در انقلابات سه گانه، احيا و توسعه اقتصاد، توسعه فرهنگ، نهضت
هاى سابقه اى براى کار مولد و دفاع از سرزمين ما درى با لاجبرده اتحاديه مزبور مسئول پرورش
کار و معرفى کارهاى برجسته خود ب حزب و دولت است.

جوانان با يد جهان بيمى ما رکسيت - لنينيسمى و خطوط سياسى حزب و دولت و
سنتهاى انقلابى ملت و حزب و راه و رسم زندگى نورانيا موزند. با بدحس ما لکيت جمعى، ابد آل -

های شرافتمندانه، شجاعت اخلاقی در نهن جوانان جا بگیرد. شجاعت اخلاقی یعنی "زندگی، تغذیه، کار و مطالعه، نظیر عمومی و آمادگی برای رفتن به نقطه و بعهده گرفتن هر وظیفه هر چند مشکل که مزاج مملکت ایجاب کند".

با بدبیا آموزش جوانان در رشته‌های علمی، فنی و حرفه‌ای است زده هر روز تمدن بیشتری از آنان را در هیئت‌های رهبری و مدیریت فراردا دوبدین ترتیب کارهای جوان بیشتر تربیت نمود. با بدبیا علایق جوانان، سلامت آنها، شرایط مطالعه و تفریحشان توجه خود را هنمایی آنان در حل مسائل ارفبیل عشق و دوستی، ازدواج و خانواده ضروری است. بجوانان با بدبیا مبارزه شان برای جلوگیری و محو آثار بدبیا، زندگی و فرهنگ بورژوازی و شروع یک زندگی متممالم، منظم و سازمان یافته باری رساند.

اتحادیه مزبور با بد شکل فعالیت‌های خود را با خائن جوانان منطبق سازد. با بسد سازمان‌های وسیع تری بوجود آورد که بتواند تعداد زیادی از آنان را بفعالیت‌های اجتماعی و پراکنش انقلابی کفانده و وسائل آموزش آنها فراهم نماید.

اتحادیه جوانان با بد مسئولیت "پیشاهنگان هوشی مین" و "سازمان کودکان ما" اوت را بعهده بگیرد و پیشاهنگان و کودکان را مطابق تعالیم پنجگانه "عموم" آموزش دهد. در آنان احساس مالکیت جمعی بوجود آورده، آنها را از نفوذ تاثیرات نامطلوب بر کنارداشته افکار و روش‌های عقب افتاده تعلیم و تربیت را از بین ببرد. دولت با بد و مسائل بیشتری برای فعالیت و آموزش پیشاهنگان و کودکان تدارک ببیند.

در نتیجه پیروزی انقلاب زنان و بننامی حق مالکیت دسته جمعی را بدست آورده از تساوی همه جانبه با مردان برخوردار شده اند. زنان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی کامهای بلندی بپیش برداشته و نقش مهمی در جنگ، تولید و بنای سوسیالیسم ایفا کرده اند. حزب دولت و مردم، بزمان و بنام که مادرانی "شجاعه بی باک" و فادار و کاردان "اندونسل‌های بی برپی افراشعایی را در دمان خود پیرو کرده اند. افتخار می کنند با وجود این زنان تا حصول آزادی کامل راه نشواری را در پیش دارند. کوشش بسیار لازمست تا زنان همگام با دیگر مردم حق مالکیت جمعی خود را واقعاً اعمال نمایند.

جامعه و دولت نسبت با این مسئله مسئولیت بزرگی دارند. در حال حاضر کاریکه در این مورد میشود عبارتست از بوجود آوردن نهفت‌های مسابغه‌ای برای کار تولیدی فعال در ساختمان سوسیالیسم. شمار این مرحله چنین است "زنان با بدبیا مورد دولتی مجرب گفته، در کارهای خانه خلایق نشانداده و با مردان حقوق مساوی پیدا کنند"؛ با بدبیا طرفیت و توانائی خود در

تمام فعاليتهاي اجتماعي و اداره امور اقتصادي، فرهنگي و دولتي بيفزا بنده در شكل دادن به زن جديد سوسالست كوشيده و در تشكيل خانواده‌هاي فرهنگ جديد پي پيم كردند.

ما بايد قاطمانه با نظرات عقب افتاده و محافظه كارانه‌اي كه در مورد نقش زن در خانواده و جامعه وجود دارد مبارزه كنيم. با بقا يا يعقاي يدفشودالي كه مرد را از زن مهتر ميشمارد و هنوز در ميان مردم وحتي در ميان تعدادي از كادرها و اعضا حزب ريشه دار با يعني مبارزه شود همچنين با يديزنان كمك كرد كه سطح فرهنگ، علم، تكنيك حرفه‌اي خود را بالا برده فعالانه با موزي و پروريش كادرهاي زن پرداخته آنها را به مقامات رهبري و مديريت گمارده شرايط كارشان را از لحاظ بهداشتي بهبود ببخشيم.

حزب و دولت با پي سياستهاي اتخاذ كنند و با اقدامات مشخصي دست بزنند كه در نتيجه آن زنان بتوانند از عهده مسئوليت مادري كه نريفترين و دقيقترين مسئوليت اجتماعي آنان است بخوبي برآمده بر مشكلات روزمره خود از قبيل خوراك، مسكن، زايمانه تربيت بچه و معالجه بزشكي غلبه كنند. با بد شرايط كار و استراحت زنان توجه شده از سذكيني كارهاي خانه كاسته گردد. در نقاطي كه در اثر جنگ ويران شده ويا در معرض اغفال طولاني ارتقا يالانته متحده و رژيم دست نشانده‌اي بوده با يديزندكي و سلامت زنان توجه خاص مبذول گردد. اينها اقدامات مهم و مبرمي است كه براي تحقيقي عملي آزادي زن، بوجود آمدن نوع جديد زن، تكامل انرژي و اعتماد و انگيزه تحريك وي لازمست.

اتحاديه زنان بايد با موزي افشار مختلف زنان پرداخته را بطله دقيق آزادي زنان و ساختمان سوساليسم را با آنان تفهيم نمايد. بزنان در درك و ظا بفشان نسبت بسرزمين مادري جامعه و خانواده كمك كرده، حس مالكييت جمعي را در آنان تقويت كرد. روحيه پيشروي در تمام رشته‌ها را در آنها بوجود آورد. پيشرفت جنبش زنان و حل مشكلات آنان و مسائل مربوط به علائق آنها بكمك مراجع دولتي و با همكار بهاي نزديك سا زمانهاي توده‌اي كه هسته مركزي اين اتحاديه زنان و بيننام ميباشد تحت رهبري حزب امكن پذيراست.

در كار با زنان بايد اقدامات مقتضي در تمام زمينه‌ها صورت گرفته، نوع فعاليتهاي انگيزه‌اي بتناسب سن، شغل و حرفه، محل زندكي و نوع كار آنان تعيين گردد.

سياست حزب در مورد عقايد مذهبي هميشه بر اساس احترام با آزادي عقيدة و مذهب،

تساوي مذاهب مختلف در مقابل قانون، اتحاد كليبه نيرويهاي ميمنه پرست و مشرق از تمام مذاهب و مخالفت با اقداماتي كه در لواء مذهب بر عليه مصالح كشور، مردم و ساختمان سوساليسم صورت ميگيرد، استوار بوده و هست. حزب و دولت همواره سعی در برآه انداختن نهضت‌هاي

تولیدی، ایجاد زندگی جدید، بهبود زندگی مادی و معنوی مردم، اعم از مذهبی و غیر مذهبی، توسعه بهداشت و فرهنگ عمومی خصوصاً در مناطقی تازه آزاد شده جنوب داشته و لاینقطع در پرورش و ارتقا حس میهن پرستی و سوسیالیستی کوشیده، بطور وسیع خطوط سیاستها و حزب و دولت را تشریح کرده و مصمانه تبلیغات تحریف شده امپریالیستی و ارتجاعیون مذهبی نما را درهم کوبیده اند.

ملت و مردم ما از میراث افتخار آمیز وحدت برخوردارند. از زمان تاسیس حزب با این میراث بطور روزافزون بصورت جبهه ملی متحدی تکامل یافته است. در سالهای اخیر جبهه کشوری ویتنام و جبهه ملی برای آزادی ویتنام جنوبی وظیفه عظیم خود را در بسیج تمام اقشار مردم و ملیتهای برادر، همه نیروهای انقلابی، وطن پرست و مترقی سرحد و منطقهد تحت پرچم اتحاد بزرگ ملی و برای سازندگی و دفاع شمال و مبارزه برای حفظ مملکت و تکمیل آزادی جنوب با انجام رسانده و بدین ترتیب نیروی فوق العاده برای مقابله و شکست دشمن بسیج کرده اند. اتحاد بزرگ ملی که تبلورش در جبهه ملی متحد است یکی از مهمترین عوامل پیروزی انقلاب ویتنام محسوب میشود. با پیشرفت انقلاب، اتحاد ملی بصورت جبهه ملی متحد استحکام بیشتری مییابد.

اکنون که شبیه انقلاب دمکراتیک ملی در سراسر مملکت با انجام رسیده است و ما با انقلاب سوسیالیستی روی آورده ایم، اهمیت و طایفه ترکیب و فعالیتها و جبهه ملی متحد نیز تغییرات عمده ای پیدا میکنند. اخیراً کنفرانس مشورتی کمیته مرکزی جبهه کشوری ویتنام، کمیته مرکزی جبهه ملی برای آزادی ویتنام جنوبی و کمیته مرکزی اتحاد نیروهای ملی، دمکراتیک و سلح ویتنام تصمیم به تشکیل مجسمی برای پایه ریزی یک جبهه مسلسی واحد برای تمام کشور گرفته اند.

جبهه مذکور بر اساس اسناد کارگر-دشمن ایجاد شده اجزاء متشکله آن عبارت خواهد بود از احزاب مختلف سیاسی، سازمانهای توده ای و طبقات و اقشار اجتماعی. این جبهه دارای ماهیتی میهن پرستانه و سوسیالیستی بوده هدف آن ساختن ویتنامی صلح جو، متحد، مستقل و سوسیالیست میباشد. این هدف آرمان تمام اجزاء متشکله آن است. وظیفه جبهه فوق مستحکم تر کردن اتحاد همه مردم و متحد کردن تمام ملیتهای برادر، تقویت اتحاد سیاسی و معنوی جامعه، توسعه کارهای انقلابی، بالابردن حس مالکیت جمعی مردم و بتحرک درآوردن آنان برای مبارزه در راه پیروزی انقلابات سه گانه و ساختن سوسیالیسم در کشور میباشد.

مقام جبهه تحقق اتحاد عملی بر اساس معا ورات دمکراتیک ، همکاری و کمک های متقابل سا زمانها ی عضو میباشند. برای اجرای وظایف مشترک - مطابق آنچه که در برنامه تشریح شده - و وظایف اختصاصی هر سا زمانه کمیته های حزبی در تمام سطوح با یستی رهبری عملکرده و واحد و موزون سا زمانها ی درون جبهه مزبور را بعهده گرفته ها مرسیج انقلابی توده ها را هدایت نموده در طی سالها ی گذشته و بهتفا میها ی مقیم خارج همیشه بمیمن عزیز خود اندیشیده و بطور فعال بمبارزه علیه تهاجم ایالات متحده برای رهائی ملتخان کمک رسانده اند. در این مرحله جدید هموطنان ما در خارج بهتیناً به نوسازی ملی کمک رسانده ، با مردم درون کشور در احیا و توسعه اقتصاد ، تکامل فرهنگی ، علمی و تکنولوژیک و ساختمان کشوری مرفه و متمدن و زندگی سعادت بار مردم تشریک مساعی خواهند کرد.

برخوردمصیح به مسئله ملیت ها یکی از وظایف اخیرا تریکی پراهمیت انقلاب بوده است. در طول سالها ی جنگ مقاومت میمن پرستانه بر علیه تهاجم ایالات متحده و در جریان ساختمان سوسیالیسم ، اقلیت ها ی قومی کمک های عظیمی به تحقق هدف مشترک انقلابی کرده اند. دستاوردها ی بزرگ آنان در تولد و مبارزه ، پیشرفت سریع آنان در تمام عئون و همبستگی هر چه محکمتر بین گروهها ی مختلف قومی در کشور ما در طی سالها ی اخیر نتیجه درخشان سیاست حزب در مورد ملیت ها است.

و نلیفه حزب و دولت در زمان حاضر کوشش برای تحکیم اتحاد خلل نا پذیر گروهها ی قومی در تمام کشور و تکامل جوهر انقلابی و قدرت خلاقه آنان در بنا ی و بهتنامی سوسیالیست میباشد. سیاست حزب در مورد ملیت ها بر رعایت مساوات کامل در تمام عئون ، ایجاد شرایط مساعد برای محو کامل اختلاف سلح اقتصادی و فرهنگی موجود ما بین گروهها ی مختلف قومی و رساندن سلح مردم نقاط کوهستان بسطح ساکنین دشنها فراهم کردن زندگی بر نعمت متمدن و سعادت بار برای تمام اقلیتها ی کوچک و بزرگ کمک به تکامل آنها در تمام جنبه ها سوار است بطوریکه آنان بشوانفدر کمک پیشرفت بکدیگرو اعمال مالکیت جمعی در سرزمین مستقل بکبارچه و سوسیالیست و بهتنام قدم بردارند. در اجرا ی سیاست حزب در مورد ملیت ها ، بر آه انداختن انقلابات سه گانه ، تریع تکامل اقتصادی و فرهنگی در مناطقی اقلیت ندین ، توسعه کثا ورزی و جنگداری ، تأسیس مناطق جدید اقتصادی و حوزهها ی صنعتی ، بسط ارتباطات و حمل و نقل و تجارت سوسیالیستی ، تکامل فرهنگ ، آموزش و پرورش ، هنر ، علم ، بهداشت عمومی ، ورزش ، حمایت از ما یران و کودکان و غیره ، دارای اهمیت اساسی میباشد. لازم است سلح زندگی مادی و معنوی اقلیت ها را بسرعت بالابرده توجه

مخصوص بمناطق کوهستانی و مرزی مبذول داشت. حزب و دولت با تدبیرای تأمین بهترین شرایط برای فعالیتهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مناطق اقلیت تشبیهی، رهنمودها و سیاستهای مشخصی وضع کرده، توجه کافی بکارها، کارگران و کارمندان شاغل در مناطق نامساعد برای زندگی نموده و فعالانه بتعلیم کادرهای متعلق به اقلیتها در تمام بخشهای حزب و دولت و سازمانهای توده‌ای در درجه اول برای هدایت اقتصادی و مدیریت اقدام نمابند.

همچنین با تدکارتبلیغاتی و اطلاعاتی خودراچنان بهبود ببخشیم که گروههای اقلیت از کوچک و بزرگ دریا بندکه و فور نعمت، تمدن و شادکامی همگان درگرو ساختمان سوسیالیسم است و اینکه تمام آنها میتوانند و وظیفه دارند که با تمام قوا در تحقق این هدف پرشکوه سهم گردند. در درون و بیرون از حزب با تدبیرانتقاد و براندازی عقاید برتری ملی، ناسیونالیسم تنگ‌نظرانه، بقایای خصومت نژادی، تمایلات فرقه‌گرایانه و بسته‌بندی‌های نژادی که با سیاست حزب در مورد ملیت‌ها مغایرت دارد ادامه دهیم.

شعبات حزب، سازمان‌های اصلی، کمیته‌ها در تمام سطوح، مراجع دولتی، و سازمانهای توده‌ای باید سیاست حزب را در مورد ملیت‌ها درک کرده و بمورد اجرا بگذارند. شرایط زندگی، روانشناسی و احساسات گروههای اقلیت را کاملاً دریافته، برسوم و عادات آنان احترام کامل گذاشته، راه و رسم‌های مترقی آنان را حفظ کرده و تکامل بخشند. با تدبیراقلیت‌ها را در برقرار نمودن شیوه‌های منمدن و علمی زندگی، تغییر و بنا بودی تدریجی رسوم عقب‌افتاده و عاداتی که بتکامل اقتصاد و فرهنگ جدید و تکوین انسان جدید سوسیالیستی در مناطق اقلیت تشبیهی صدمه میزند فعالانه هدایت و راهنمایی کرد. مسلم است که عادات و رسوم عقب‌افتاده، غیر علمی و خرافی با تدبیرکنند ما این تغییر را بتدریجی و همگام با توده‌ها باشد. با تدبیر توضیح بدهیم، متقاعدکنیم و با مداومت و پشتکار را نقطه‌ریک‌بیم تا توده‌ها آگاه شوند و مطلقاً از روش‌های زورگویانه و غیراجتناب‌ورزم.



اوضاع جهانی و وظایف بین المللی

و سیاست خارجی حزب ما

رفقا! از زمانیکه مارکسیسم قدم به صحنه وجود گذاشت تاریخ جهان شاهد تغییرات عظیمی بوده است. انقلاب سوسیالیستی پیروز مندانده اکتبر تحت رهبری باکفایت لنین اولین جهش عظیم به جلو و مبصر عصری جدید بود! عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم جهانی.

پیروزی سرخپان اتحاد شوروی و سایر نیروهای انقلابی در جنگ جهانی دوم تعداد زیادی از سیستم های امپریالیستی را سرنگون کرده آغاز یک مرحله تکاملی جدید و عظیم انقلاب جهانی را به عارت داد. پیروزی بزرگ انقلاب چین توازن قدرت ها را بنفع انقلاب بهم زد. سوسیالیسم از محدوده یک کشور به فرا تر نهاده به سمتی جهانی تبدیل گردیده در طی ۲۰ سال گذشته کشورهای سوسیالیستی در تمام شئون زندگی ملاحظاتی کرده اند. اتحاد شوروی که در راه ساختمان مادی و تکنیکی کمونیسم قدم بر میدارد تبدیل بقدرتی بزرگ در صنعت و دفاع ملی شده در بسیاری از رشته های علمی و تکنیکی و تولید محصولات صنعتی بردیگران پیشی گرفته است. چین با سرعت در راه ساختن یک کشور با قدرت سوسیالیستی با صنعت، کشاورزی و دفاع ملی مدرن و فرهنگ و علم پیشرفته جلو می رود. تمام کشورهای سوسیالیستی دیگر هم با سرعت ترقی کرده اند و بسیاری از آنها در راه بنا کردن سوسیالیسم پیشرفته گام بر میدارند.

بهر از آنکه در صد یا زده صنعتی جهان متعلق بکشورهای سوسیالیستی است. نیروی دفاعی آنها امروز بیدار از هر زمان دیگر است. سیستم جهانی سوسیالیستی با دستاوردهای همه جانبه خود مجموعاً دارای نیروی بیشتری از امپریالیسم میباشد. این نفوذ قاطعانه با گذشت زمان رشد خواهد کرد و هیچ عاملی جلوی آن نخواهد نمود. دلیل رشد سریع و مداوم کشور-

های سوسیالیستی، برتری رژیم جدید است که توسط طبقه کارگر و حزب مارکسیست لنینیستی آن رهبری میشود. سیستم اقتصادی در رژیم سوسیالیستی با هدف برآوردن ما بحتاج مادی و معنوی افراد طرح ریزی شده و ضمن آن از نیروهای مولده و منابع طبیعی به بهترین وجهی بهره‌بردار می‌شود. بدین نحو تولید اجتماعی بدون تحمل بحران و بیکاری با لا گرفته و زندگی مرفه‌تری برای هر یک از افراد جامعه تضمین میشود. زندگی همچنین ثابت کرده است که قدرت سوسیالیسم عدسه‌ناپذیر بوده و روز بروز بر نیروی آن بعنوان عامل تعیین کننده در تکامل جامعه بشری، افزوده می‌گردد. این سیستم با صدور نوانی انقلاب جهانی پرولتری بوده پشتیبان محکم مبارزه برای صلح، استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی میباشد.

طوفان انقلابی که آسیا، آفریقا و آمریکا را لایق را بلرزه در آورده و دومیلیار دنفراز مردم تقریباً تمام کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره را در جنبشهای رهائی بخش درگیر کرده است، بعد از شکل گرفتن سیستم سوسیالیستی، بعنوان دومین دهه بزرگ تاریخی تلقی میگردد. استعمار پیر در سطح جهانی از با به نرهم شکسته است. تعدادی از کشورهای ثیکه بدرجات مختلفه استقلال نائل آمده اند یکی بعد از دیگری در عرصه سیاست بین المللی ظهور کرده و مبارزه با امپریالیسم و استعمار سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده برخاسته و در راه تحکیم استقلال سیاسی و تحقق حقوق مالکیت منابع طبیعی شان که توسط امپریالیستها غارت میشده، میکوشند تا با بنظر یکی به توسعه اقتصادی مستقل و خود مختار ملی بپردازند.

وجه مشخص جنبشهای آزادی بخش امروز گرایش به سوسیالیسم میباشد. عرصه نسیه تنها بمردم تحت تسلط قدرتی بیابنده در مبارزه برای استقلال و آزادی داده بلکه امکان جدیدی را در جلو روی آنان قرار داده است. این امکان عبارتست از گذار از حالت عقبی اقتصادگی اقتصادی به سوسیالیسم. برای همین است که جنبشهای آزادی بخش ملی و استقلال ملی مهمترین نقش را در تحقق بخشیدن به گذار به سوسیالیسم در سطح جهانی ایفا می‌کنند.

مبارزه طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری بمقیاس روز افزون در مفهوم وسیع سازمانی و با سنوای غنی و ادکال متنوع بی سابقه‌ای توسعه یافته است. اعتنا با ت پی‌در پی میلیونها کارگر که هفته‌ها و ماهها بطول می‌انجامند، تظاهرات عظیم جهانی، فعالیت‌های انشعایی برای پارلمان و سایر ارکانهای انشعایی دستگاه دولت بورژوازی، افزایش هماهنگی فعالیت‌های انشعایی

بسیاری اتحادیه‌های کارگری و نیروهای دمکراتیک... تمام اینها بطور برجسته ماهیت رزم-جویانه، حالت تهاجمی و اعتماد عظیم انقلابی و توانایی طبقه کارگر را نشان میدهند. تحت‌عصاره را تعاملی در مبارزه برای کسب حقوق ملی، دمکراتیک و مادی طبقه کارگرو سایر نیروها، دمکراتیک تمام اشکال و وسایل مبارزه خود را هماهنگ نموده، ضربه‌های کاری بردولت و سرما به‌داری انحصاری وارد ساخته‌اند. در بعضی کشورها احزاب کمونیست که موقعیت پراهمیتی در زندگی سیاسی احراز کرده‌اند به‌روزیهای مهمی بدست آورده و پرچم استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم را باهتزاز در آورده. بر علیه سرما به‌داران انحصاری دولتی در داخل و خارج کشور متحد و متفکک شده. با به‌روزیهای بی‌سری بروز انقلاب را نزدیک تر می‌سازند. طبقه کارگر در کشورهای سرما به‌داری پیشرفته در برابر تاریخ و طبقه خطیری را بعهده گرفته است و طبقه عکس سرما به‌داری انحصاری دولتی و زدودن همیشه سرما به‌داری از عرصه اجتماع.

این جریان‌ها نشان می‌دهد که مکمل جریان بزرگ انقلابی اندکالت تهاجمی داشته، صف اول مبارزه با امپریالیسم را تشکیل میدهند.

سرما به‌داری برای مقابله با جنبش انقلابی جهانی و نجات‌تبعات در حال احتضار خود دیوانه‌وار به سرما به‌داری انحصاری دولتی تبدیل میشود. در همین ضمن امپریالیسم برهبری ایالات متحده از هیچ کوششی برای تدارک جنگ جهانی جدیدی فروگذار نکرده. به‌رویه‌های برای سرکوب جنبش‌های انقلابی و بی‌گرفتن مواضع از دست رفته، در هم کوبیدن جنبش‌های آزادی بخش ملی و جلوگیری از توسعه سوسیالیسم متوسل میشود. بشدت بر تعداد مهمات افزوده. بمباران‌های تسلیماتی دست زده. مهلت‌تاریخ را تقویت کرده. با به‌گاه‌های نظامی جدیدی دائر شده. قراردادهای تهاجمی نظامی منعقد کرده. در همه جا بجدگ کرد دامن زده بدین نظر است می‌کوشد کشورهای سوسیالیستی را محاصره و مرعوب کرده در خوار نمودن و تفرقه اندازی بین آنها از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کند.

در باب مستعمرات و کشورهای وابسته پیدین، امپریالیسم خصوصاً امپریالیسم ایالات متحده آمریکا به سیاست نواستعماری آشکار و نهان متوسل میگردد. امپریالیسم آمریکا نوظئه-گرا نه کشورهای تازه آزاد شده را در مدار سرما به‌داری نگه داشته بدین طریق از نفس سوز سوسیالیسم در آنها جلوگیری میکند. سیاست امپریالیستی کوشش در بدست آوردن بازار منابع مواد خام، مناطق دارای مواد انرژی زا و ایجاد سرما به‌گزاری می‌باشد. سیاست اصلی امپریالیسم حفظ هژمونی جهانی است.

تجربه ثابت کرده سیاست مستعمراتی آمریکا در ویتنام از نوع بهرحمانه‌ترین و خدو-
نت‌بارترین سیاستها بوده است. امپریالیسم آمریکا طرح نا بودی انقلاب ویتنام را ریخته
بود تا بدین طریق وضعیت کلی جهان را دگرگون کند. اما بعد از ۲۰ سال درگیری در ویتنام - که
نهال درگیری مستقیم نیروهای اعزامی آمریکا را در جنگ کفایت می‌کند - امپریالیستهای
ایالات متحده بسختی درهم کوبیده عده مجبور بقبول شکست خود و بیرون کشیدن نیروها بهمان
گردیدند. استراتژی "واکنش قابل انعطاف" ایالات متحده با شکست کامل روبرو شده است.
بلوک‌های نظامی که برانصار ایالات متحده بودند با تجزیه شده و با در آشوب اختلافات
داخلی گرفتار شدند. حیثیت بین‌المللی ایالات متحده بنا زلترین سطح ممکن رسیده است.
شکست ایالات متحده در جنگ تهاجمی بر علیه ویتنام بعد از از دست دادن انصار راجعها یاتی
بزرگترین حادثه محسوب می‌شود. این شکست نقطه عطفی بر انحطاط امپریالیزم ایالات متحده
بحساب می‌آید. بزرگترین قدرت امپریالیستی جهان در تمام عئون نظامی و سیاسی اقتصادی
ومالی بعدت ضعیف شده، دنیا ی سرمایه داری را با يك بحران عمومی همه‌جا نیه غیر قابل علاج
روبرو کرده است.

۳۰ سال بعد از جنگ جهانی دوم اوضاع جهان سرعت تغییر کرده است. در حالیکه سیستم
سرمایه داری درگیر يك بحران عمومی است، نیروهای سوسیالیسم و استقلال ملی و دمکراسی
و صلح بنحو مداوم تقویت گردیده و بعد از جنگ ویتنام بنظر می‌رسد که تحول جدیدی در تعادل
قوا بنفع نیروهای انقلاب و تکاملی تازه در مبارزه مردم جهان در راه صلح و استقلال ملی
دمکراسی و سوسیالیسم روی داده است. واضح است که روند تکاملی تاریخ غیر قابل بازگشت
است. در زمان حاضر وضع انقلابی جهان فوق العاده مساعد بوده و از امکانات بسیار خوبی
برخوردار است.

امکان جلوگیری از جنگ جهانی و تامین صلح با بیداری تمام ملل و همزیستی مسا-
لمت آمیز بین دولتها ی دارای سیستم های متفاوت فزونی یافته است. انقلاب ثابت کرده است
که صلح نه فقط محصول جنبش دمکراتیک ضد جنگ می‌باشد بلکه عمدتاً محصول مبارزه انقلابی
تمام نیروها بر ضد امپریالیسم و استراتژی تهاجمی عقب‌رانندن قدم بقدم امپریالیسم و براندا-
ختن تفریحی آن و خنثی کردن يك يك سیاستها ی جنگ طلبانه آن و شکست هر نوع جنگ
امپریالیستی و سرانجام بی اثر ساختن تمام سیاستها ی جنگ طلبانه آن می‌باشد. البته
طبیعت جنگ طلبانه امپریالیزم هرگز عوض نمی‌شود. امپریالیسم ایالات متحده سیاست اعمال

زور را نکرده عقب نشینی نخواهد نمود بلکه بمسابقه تسلیماتی دست خواهد زد. این وضع اقتضا میکند که نیروهای انقلابی در مبارزه خود در راه صلح مداوماً بر هشیاری و پافشاری خود با اعتقاد به بی اثرباختن تمام نقشه‌های عسکرم جنگ طلبان بیفزایند.

مبارزه در راه صلح بک وظیفه استراتژیک است که با مبارزه برای استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم عمیقاً مربوط میباشد. استقلال ملی اولین هدف بسیاری از ملتهاست. تا زمانیکه امپریالیسم وجود دارد مبارزات آزادی بخش ملی، دفاع از استقلال ملی، مبارزه برای تحقق خودمختاری ملی و مساوات بین تمام ملل هنوز مهمترین مسائلی هستند که در برنا عملی نیروهای انقلابی جهان قرار دارند. امپریالیستهای ایالات متحده با اینکه در عملکرد هرچه بیفتر سیاست نواستعماری و استراتژی جهانی ضد انقلابی خود میکوشند، هنوز از هیچگونه کوششی برای حفظ مستعمرات و پانگاههای نظامی در سراسر جهان فروگذار نکرده، در نقطه‌های بعدا غلبه در امور داخلی دست زده، در نقطه دیگر با اعمال تخریبی پرداخته به تمامیت ارضی ممالک تازه آزاننده حتی به "متعدین" خود نیز تجاوز نموده و در عین حال از هر وسیله‌ای برای پائین آوردن منزلت کشورهای سوسیالیستی استفاده می‌کنند. استقلال ملی بک شعار انقلابی در پاسخ به خواستهای مردم تمام کشورهای جهان است.

دمکراسی خواستی بسیار مهم است که با استقلال ملی و سوسیالیسم رابطه نزدیک دارد. در ممالکی که برای رهائی از بنید استعمار مبارزه میکنند، دمکراسی بک مضمون اساسی برای بحرکت در آوردن توده‌های وسیع در قیام بر علیه امپریالیستها و پیروان آنها بوده و بنا بر این برقراری دمکراسی اولین هدف طبقه کارگر یعنی نیروی عمده در مبارزه برای استقلال ملی می- باشد. در کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی، دمکراسی بک شعار انقلابی بوده که بر تحت آن توده‌های وسیع بدور طبقه کارگر جمع شده قدم بقدم برای عقب راندن سرمایه داری انحصاری دولتی مبارزه کرده، پیروزیهای عملی بدست آورده و بهیض شرطهای لازم را برای پیروزی کامل سوسیالیسم فراهم می‌آورند.

در شرایط تاریخی کنونی که سرمایه داری قدم بمرحله نهائی خود گذاشته و تبدیل به بک مانع و نیروی ارتجاعی در راه توسعه جامعه بشری گردیده، سوسیالیسم هدف فوری مبارزه تمام کشورهای غده است. انقلاب سوسیالیستی هرگز با اندازه امروز از این درجه توسعه برخوردار نبوده است. تمامی جنبشهای رهائی بخش و دمکراسی با سوسیالیسم رابطه عمیق داشته بسمت آن بحرکت میباشد بحرکت بسوی سوسیالیسم متضمن استقلال واقعی تمام ملل بوده آنها را از

سلطه استعمارنومصون مبدارده. تحقق دمکراسی واقعی یعنی دمکراسی برای اکثریت مسردم جامعه - دمکراسی ای که حدود مرز آن بمراتب فراتر از دمکراسی عقب افتاده بورژوازی است - در گروا بین حرکت میباشد.

انقلاب علمی - تکنولوژیکی امروز جهان امکانات عظیمی برای کشورهای سوسیالیستی فراهم میآورد. بطوریکه این کشورها میتوانند به پیروزی‌های جدیدی بر طبیعت نائل آمده. پیروزمندان ساختن سوسیالیسم و کمونیسم پرداخته و در عین حال برای کشورهای توسعه نیافته فراهم آورند که این کشورها بتوانند با حفظ استقلال سیاسی دستاوردهای علمی و تکنیکی آنانرا بر راه از زمین بردن فقر و عقب ماندگی بکار برده و بدین طریق بدون گذار از مرحله توسعه سرمایه داری مستقیماً بسوی سوسیالیسم حرکت کنند.

نیروی ما در حال حاضر به ترکیب نیروی سه جریان انقلابی بستگی دارد. نیروهای ملی که محتوای اصلی، جهت عمده و خاستن اصلی توسعه جامعه بشری را تعیین میکنند و جهان را از سرمایه داری به سوسیالیسم سوق میدهند. طبقه کارگر و زحمتکشان با اتکا با این نیروهای انقلابی و با پیاده کردن صحیح استراتژی - استراتژی‌ای تهاجمی - ملما به نامله‌های انقلاب برای توسعه نوین اجتماعی دامن زده، با عقب راندن قدم بقدم امپریالیسم، قطع تدریجی ریشه‌های آن و بگردش در آوردن چرخ تاریخ و تحصیل پیروزی بزرگتری در مبارزه برای حصول آرمان عالی عصر حاضر، موفق خواهد شد.

راه پیروزی انقلاب در هر کشور بستگی به هماهنگی نیروهای خودی با نیروهای عصر ما و موقعیت تهاجمی نیروهای انقلابی جهان دارد. استراتژی و تاکتیکها و روش‌های مبارزه، متناسب با تعادل قدرت‌ها و وضع معین هر کشور طرح ریزی میشود. با اینهمه مبارزه در راه صلح، استقلال ملی و دمکراسی و سوسیالیسم مستلزم برقراری استحکام و توسعه جبهه متحد ضد امپریالیستی مردم جهان میباشد؛ جبهه فوق العاده وسیعی که بتواند مبارزه بر علیه سرکرده امپریالیستها یعنی ایالات متحده را به پیش ببرد. در مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه داری در مقیاس جهانی، اعاده و استحکام همبستگی بین سیستم سوسیالیستی و کمونیسم بین المللی بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری مسئله‌ای فوق - العاده مهم است. این ما موریت عالی کمونیستهاست که برای تحقق این همبستگی و در نتیجه بجلوراندن تاریخ همت میگذارند.

انقلاب و پهنای جزء لاینجزای انقلاب جهانی است. پیروزی کامل مردم ما ارتبطات

کامل به پشتیبانی و کمک‌های عظیم برادران و دوستان ما در تمام قاره‌ها داشته‌است. بکبار دیگر می‌خواهیم مراتب قدردانی عمیق حزب و دولت و مردم خود را نسبت با اتحاد شوروی و چین و تمام کشورهای سوسیالیستی برادره، بکشورهای برادر لائوس و کامبوج و با احزاب کمونیست و کارگری و افراد مرفعی سراسر جهان بطاير پشتیبانی و کمک‌های ارزنده آنان ابراز داریم. پیروزی مردم ما به پیروزی مشترک نیروهای انقلابی و رشد مستمر و با بیدار نیروهای انقلابی جهان کمک‌شایانی نموده‌است. همچنین این پیروزی امکانات مساعدی برای ایفای وظائف بین‌المللی حزب و دولت و مردم و بینجام فراهم ساخته‌است.

در مرحله جدید حزب و دولت و مردم ما باید از شرایط مساعد بین‌المللی حداکثر بهره‌برداری را کرده به‌التیام سریع زخمهای جنگ، اصلاح و توسعه اقتصاد، فرهنگ و علم و تکنولوژی، تقویت دفاع ملی و فراهم کردن زمینهای مادی و تکنیکی سوسیالیسم در کشور پرداخته و در همان حال دوشادوش ممالک سوسیالیست برادر و همه مردم جهان بمبارزه علیه امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم ایالات متحده بر راه صلح و استقلال ملی و دموکراسی و سوسیالیسم ادامه بدهند.

سیاست خارجی ما عبارتست از :

کوشش برای تحکیم و تقویت همبستگی رزمنده و ایجاد همکاری ما بین کشورها و تمام کشورهای سوسیالیستی برادر و وحی نمائیم با تمام آنچه در نیرو داریم در برقراری و تحکیم همبستگی و ارتقا و پشتیبانی و کمک متقابل بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم و با حفظ روح انترناسیونالیسم پرولتری - بصورتی که با عقل و احساس منطبق باشد - برای نهل به موفقیت درخشان هر چه بیشتر مارکسیسم - لنینیسم - به همراه سایر کشورهای سوسیالیستی و نهضت‌های کمونیستی و کارگری، بین‌المللی - سهمی بعهده بگیریم .

کوشش برای حفظ و توسعه روابط خاص بین ملتها و بینجام و لائوس و کامبوج و تقویت همبستگی رزمنده و اعتماد متقابل و همکاری دراز مدت و کمک متقابل همه جا نبه بین سه کشور بر - اساس اصول مساوات کامل و احترام متقابل به استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی و منافع حقه بکدیگر آنچه‌انکه این سه کشوری که در مبارزه برای آزادی ملی متحد بوده‌اند همگامی و اتحاد خود را بر ساختمان و دفاع کشوری برای همیشه حفظ نما بندوقیدین ترتیب استقلال و رفاه هر سه کشور تا همین گردد.

پشتیبانی کامل از مبارزه بحق مردم آسیای جنوب غربی برای استقلال ملی و دمکراسی،
 صلح و بیطرفی کامل یعنی امتناع از دادن پایگاه‌های نظامی با مهربان‌ها و نظاً میانشان،
 آمادگی برای برقراری و توسعه روابط دوستی و همکاری با سایر کشورهای منطقه بر اساس
 احترام با استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی و برپایه عدم تجاوز و دخالت در امور داخلی یکدیگر،
 مساوات، منافع متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز.

پشتیبانی کامل از مبارزات مردم آسیا، آفریقا و آمریکا و لاتین بر علیه امپریالیسم
 و استعمار کهنه و نوه تبعیض نژادی و تحقق استقلال ملی و دمکراسی و پیشرفت اجتماعی، تقویت
 همبستگی، دوستی و همکاری و کمک‌های متقابل همه جانبه بین کشورهای و کشورهای در حال
 توسعه و شرکت فعال در مبارزه کشورهای غیر وابسته بر علیه سیاست تهاجمی و سلطه‌جویانه
 امپریالیسم بقصد حفظ استقلال و آزادی این کشورها، بطوریکه تملک دائمی منابع طبیعی
 خود را دوباره بدست آورده به برقراری نظم نوین اقتصاد بین المللی بر اساس حاکمیت
 ملی خودناظر گردند محاط کامل از آزادیان بحق طبقه کارگر و زحمتکشانشان در
 کشورهای سرمایه‌داری که کوشش دارند جنبه متحد و وسیعی برای مبارزه با سرمایه‌داری
 انحصاری در داخل و خارج و در راه تأمین رفاه عمومی و دمکراسی و پیشرفت اجتماعی و حفظ
 استقلال ملی و صلح جهانی و پیروزی مرحله‌ای و سرانجام نهائی موسیالیسم تشکیل دهند.
 برقراری و توسعه روابط عادی بین کشورها و تمام کشورهای دیگر بر اساس احترام
 با استقلال، تمامیت ارضی، مساوات و منافع متقابل.

همکاری با کشورهای برادر و تمام مردم مترقی در سراسر جهان، مبارزه متعهدانه بر-
 علیه سیاست تهاجمی و جنک‌طلبانه امپریالیسم آمریکا و بدین طریق شرکت فعالانه در نگهداری
 و تحکیم صلح جهانی.
 حزب ما با وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم لاینقطع با اعضاء خود و مردم می‌آموزد که
 با الهام از ایمان بی‌شائبه انقلابی رئیس‌جمهور "هوئی مین" و هر چه استقلال ملی و سوسیالیسم-
 لیسم را برافراشته نگه داشته و وطن پرستی اصیل را با انترناسیونالیسم پرولتری درهم-
 آمیخته، با تمام کراهت‌ها فرصت‌طلبانه و تظاهرات ناسیونالیسم پرور وانی و خرد، پرور وانی
 مبارزه کرده، سرخسازانه از استقلال و حاکمیت خود بدفاع پرداخته و فعالانه و طبقه ملی و بین-
 المللی خود را با انجام رسانند.



بسط نقش رهبری و قابلیت مبارزاتی حزب

رفقا! در طی نیم قرن که گذشت، تاریخ ملت ما سرشار از قیامها، شورشها، جنگهای بی دریغ انقلابی و ناظر بر جریان دگرگونی و ساختن کشور در یک وضعیت بغرنج جنگ و سلسله بوده است. در دهه های گذشته و به نام کائونی برای جریانات انقلابی زمان ما بوده است. حزب ما در گهرو در چنین و تابی بزرگی ایستادگی کرد و در جریان این آزما بیست آبدیده شده بدون وقفه راه تکامل را دنبال نمود. حزب ما سه قیام انقلابی را که منتهی به پیروزی انقلاب ماه اوت شد - یعنی قیام انقلابی ۱۹۳۱-۱۹۳۰، جنبش جبهه دمکراتیک ۱۹۳۶-۱۹۳۹ و جبهه ضد امپریالیستی ۱۹۴۵-۱۹۴۶ - و جنبشهای جبهه ویت مین را رهبری نمود. با زمانندی موفقیت آمیز و جنگ مقدس مقاومت ستیزه، در آن واحد و احترامی انقلابی انقلاب دمکراتیک ملی مردم و انقلاب سوسیالیستی را هدایت نموده و با این ترتیب ملت ما را در انجام هر دو وظیفه ملی و بین المللی خود رهنمون شده است.

انقلاب ما با دشمنان مختلفی مواجه شد آنها را مغلوب نمود؛ دشمنان داخلی و خارجی، فئودال و امپریالیست، استعمارگر کهنه و نو و بالانرا همه سرکرده امپریالیستها، این مرتجع ترین ارتجاعیون - انقلاب ما با بدبا تمام احترامیها و تانکهای عاثنانه دشمن در زمینه های سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک مقابله و مبارزه میکرد.

این واقعیت که حزب ما موفق شده است مردم ما را به چنین پیروزی بزرگی نائل کند در درجه اول مدیون ترک عمیق و وفاداری مطلق به مارکسیسم - لنینیسم میباشد. حزب ما به مفهوم عمیق انقلابی و علمی مارکسیسم - لنینیسم دست یافته، دو جز متشکله

مارکسیسم یعنی جزء انقلابی و جزء علمی را در فعالیت‌های سیاسی، ایدئولوژیک و سازمانی، در خطوط و روش‌های انقلابی و در مراحل مختلف مبارزاتی خود به‌پا داشته کرده است. به همین دلیل است که حزب ما با اینکه در کشوری کما و رزی و عقب افتاده که يك مستمره نیمه فئودال بی‌نی بوده - با بمرصه وجود و تکامل گذاشته، ماهیت يك حزب طبقه کارگر را بطور مداوم حفظ کرده است.

افزایشه نگاه داشتن پرچم‌های استقلال ملی و سوسیالیسم، خط اصلی تاریخی انقلاب ویتنام از زمان تأسیس حزب محسوب شده، همان‌همیشه به‌روز انقلاب ویتنام را تشکیل می‌دهند. حزب با اتکاء باین خط اساسی يك سلسله مسائل اخرا نژیک و تا کنونی مربوط به جنبش ملی دمکراتیک و انقلاب سوسیالیستی را بدرستی جوابگو شده است.

از زمان تأسیس حزب، تاریخ انقلاب ویتنام نه تنها در مسیر صحیح توسعه یافته بلکه روش‌های مختلف مبارزه مثل فعالیت‌های زیرزمینی و آشکاره، قانونی و غیرقانونی، توده‌ای و پارلمانی، مبارزات سیاسی - دیپلماتیک - نظامی، جنگ‌های چریکی و عادی و غیره را نیز بکار گرفته است.

حزب ما اخلاقاً نه تقریباً تمام روش‌های موجود در گنجینه تجارب مبارزات انقلابی پرولتاریا را بکار گرفته است.

انقلاب مترادف با خلق کردن است؛ حقیقت همیشه مشخص [کنکرت] است. با تری عمیق این امر حزب ما همیشه نقطه حرکت خود را تجربه انقلاب ویتنام و واقعیت‌های زنده جامعه ویتنام فرار داده بر مبنای اصول مارکسیسم - لنینیسم عمل کرده است. در هر تو عطلت مستقل و خلاص خطوط و روش‌های انقلابی است که انقلاب ویتنام به يك جنبش پیروزی بزرگ نایل آمده است. رفقاء در مرحله جدید انقلاب حزب ما با وظیفه جدید و بسیار سنگینی روبروست و آن‌ها - بت خلق در امر با انجام رساندن انقلاب سوسیالیستی در سراسر کشور و تبدیل آن بجامه‌ای بسیار پیشرفته و مرفه می‌باید.

وظیفه اصلی، طرح ریزی خط معنی و برنامه‌های ملی و متناسب با واقعیت‌های مملکتی ما است. در ۲۰ سال گذشته بخصوص از زمان تشکیل کنگره سوم، حزب ما در این رابطه فعالیت زیادی نموده است. حال که کشور ما با آزادی و اتحاد کامل نایل آمده است، مسائل مربوط به ساختمان سوسیالیسم با تمام عمق و وسعت و واقعیت خود برابر با قرار دارد. برخورد با این مسائل محتاج کوشش همگام حزب در زمینه کارتنوریک می‌باید.

مصوبات این کنگره [کنگره چهارم] انعکاس جنبش فعالیت‌های بوده، به مسائل مربوط با انقلاب سوسیالیستی در سراسر کشور جواب‌های اساسی خواهد داد. در جریان اجرای مصوبات کنگره